

ایران  
ایمان

سیب  
بیست

سینی  
بینی





ه ه

ای







دانه ای

ای



دسته ای

ستاره ای

رائنده ای



دانه ای

ای +

دانه

ستاره ای

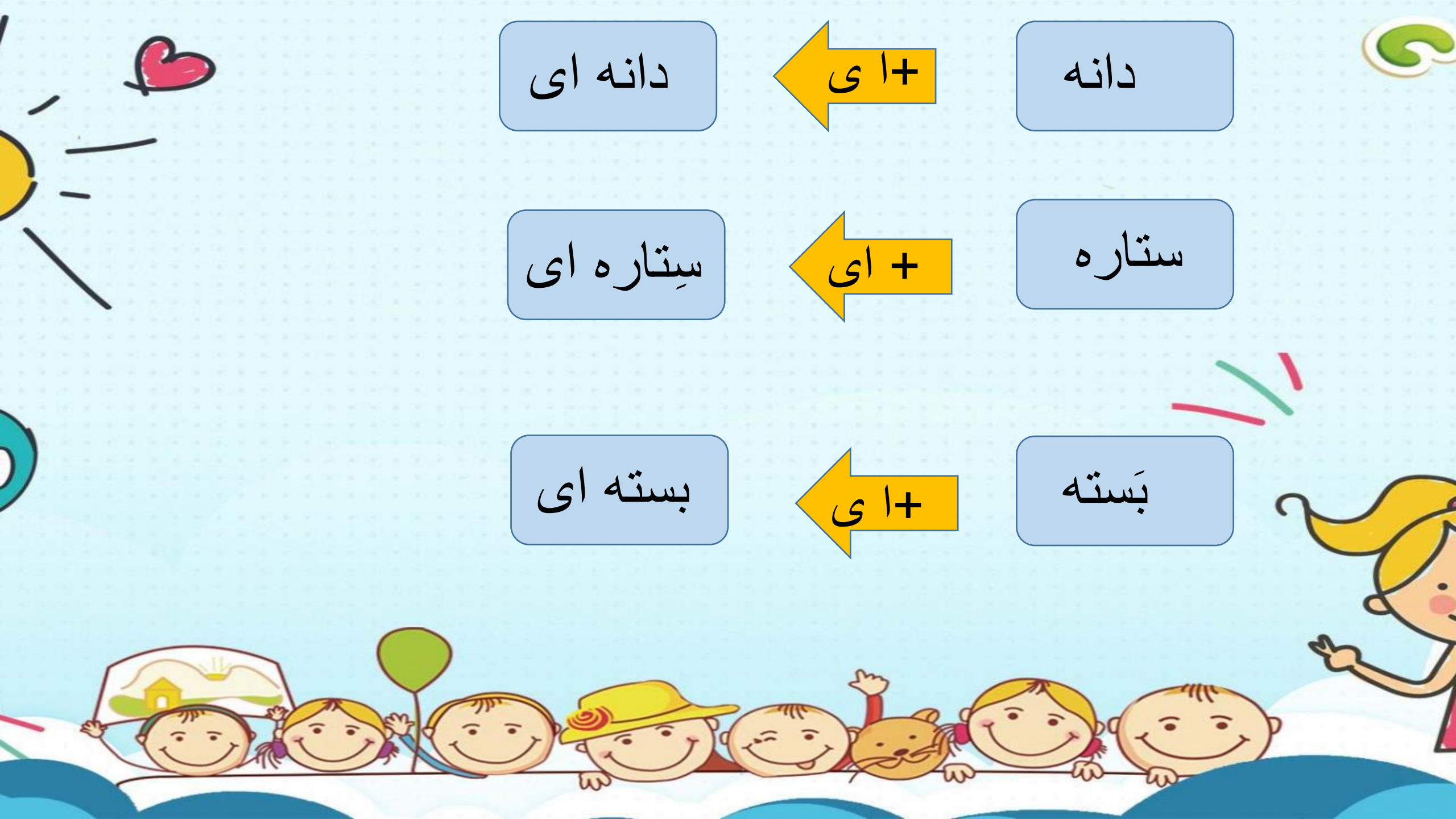
ای +

ستاره

بسته ای

ای +

بسته





سوره

+ ای

سوره ای

مدرسه

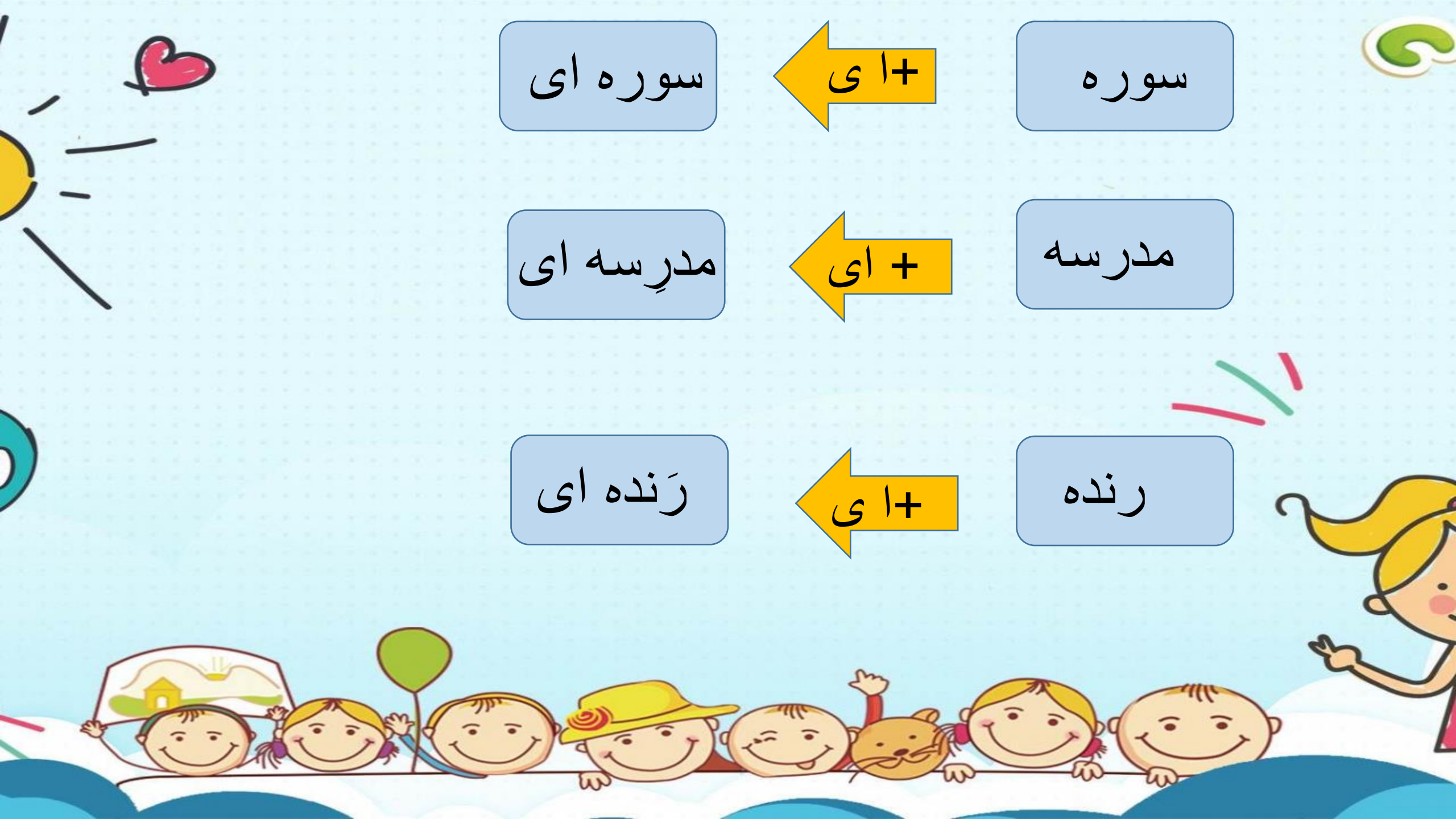
+ ای

مدرسه ای

رنده

+ ای

رنده ای



موزه

+ ای

موزه ای

مردانه

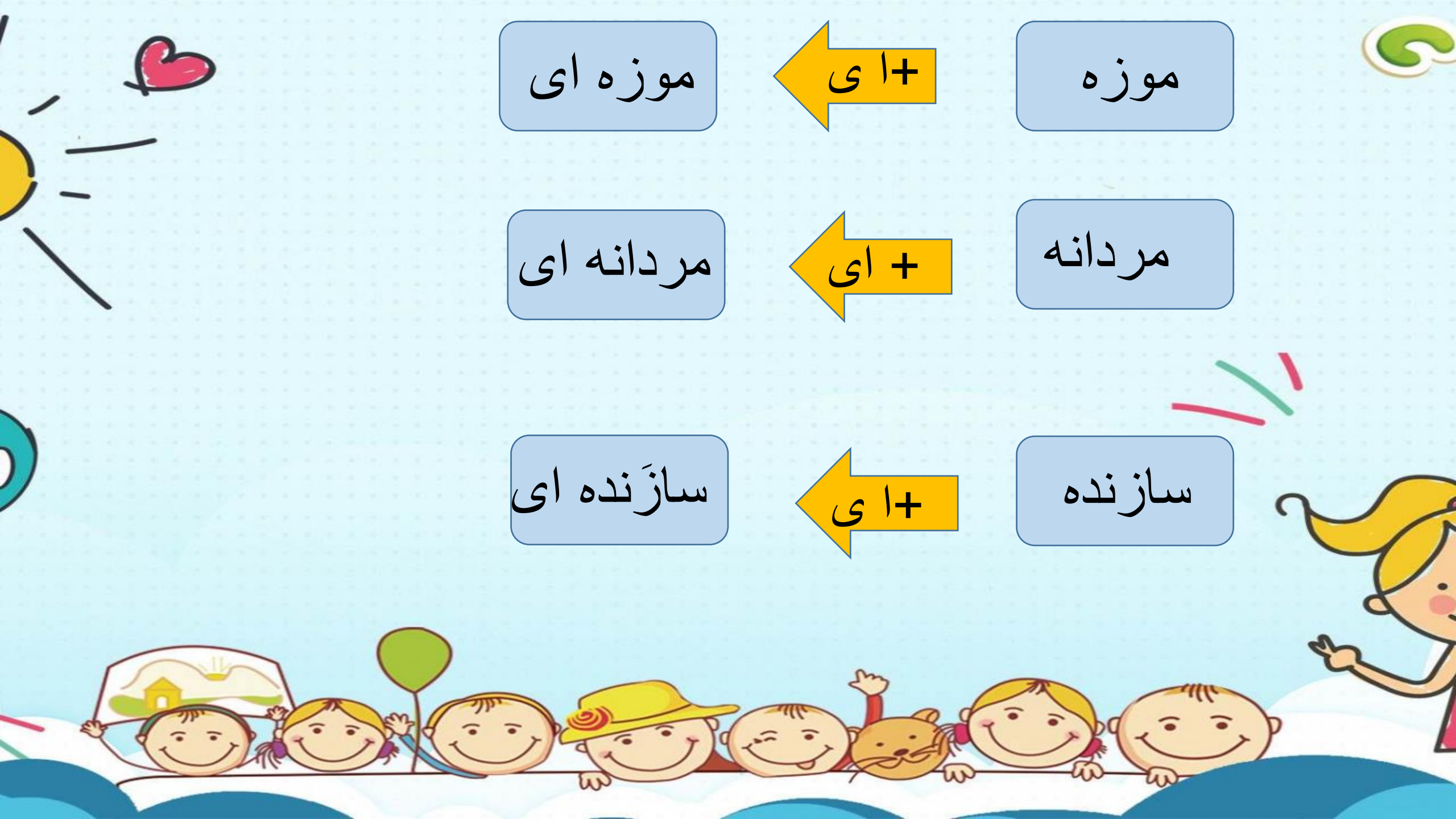
+ ای

مردانه ای

سازنده

+ ای

سازنده ای





رائنده

+ ای

رائنده ای

رَزمندِه

+ ای

رَزمندِه ای

نِمونِه

+ ای

نِمونِه ای



دیروز نامه... از سیمان به بابا رسید.



ای



نامه ای

+ ای

نامه





دانه ای انار برمی دارم.

دیروز راننده ای در دبستان دیدم.

او رزمنده ای ایرانی است.

من سوره ای می دانم.



سِتاره ای در آسمان دیدم.

مادرم رنده ای تیز دارد.

مدرسه ای در روستای می سازند.

دبستان ، نرده ای دراز دارد.





اسبی

+ ی ←

اسب

تایستانی

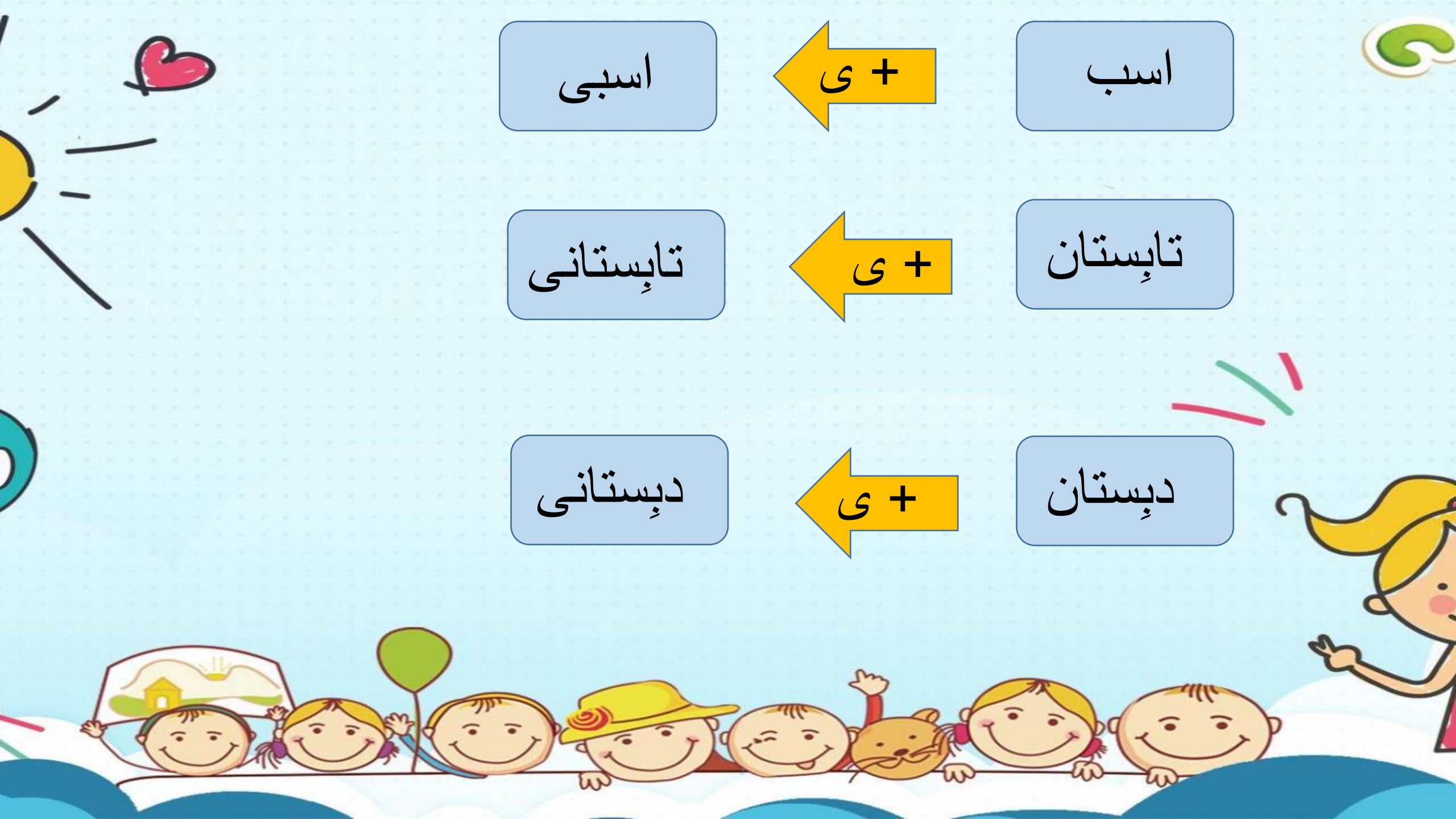
+ ی ←

تایستان

دایستانی

+ ی ←

دایستان





من میزی آبی دارم.



آسمان ابری است.







مادرَم با سوزنِ دامنی زیبا می دوزَد.



تبریز زمستانی سرد دارد.



دیروز نامه... از سمنان به بابا رسید.



نامه ی

+ ای ←

نامه

